

فصل سوم

اربلی در مقام تعلیم و تعلّم

۱- مشایخ مؤلف

اربلی در لابلای نوشته‌های خود از برخی از شیوخ خویش نام برده است؛ این شیوخ عمدتاً از عالمان و اندیشمندان و ادیبانی هستند که در موصل و بغداد زندگی می‌کرده و هر یک گرایش‌های مذهبی خاص خود را داشته‌اند.

۱- رضی الدین ابی الهیجاء علی بن حسن بن منصور بن موسی الاربلی الانصاری الاوسی (م ۶۴۹)؛

اربلی در «التذکرة الفخریه» ص ۱۳۷ از وی ستایش فراوانی کرده و تخصص وی را در صرف و نحو بیش از هر دانشوری که وارد اربل شده و با وی به بحث می‌پرداخته دانسته است. او قبل از وفات خود به اربلی گفته است که آن سال خواهد مرد. پس از آن نیز بر خلاف سالهای قبل که تنها سه ماه رجب، شعبان و رمضان را به خواندن قرآن اختصاص می‌داده و نه ماه دیگر را به درس، آن سال همه وقت خود را برای خواندن قرآن گذاشته است. اربلی می‌افزاید که در همان سال او مرد. اربلی کتاب «اللمع» از ابن جنّی، و کتاب «الایضاح» از ابوعلی فارسی را نزد وی خوانده است؛ علاوه بر آن رضی الدین اجازه روایت هر آنچه وی بر مشایخ خویش خوانده و از آنها روایت می‌کرده داده است (التذکرة ص ۱۳۸). اربلی از فرزند وی عزالدین ابوالحسن نیز

اشعاری آورده است (۱۳۸).

۲ - السید محیی الدین یوسف بن یوسف بن زیلاق الکاتب الهاشمی

الموصلی (مقتول بدست مغولان در سال ۶۶۰)

اربلی وی را به عنوان کسی که در عدالت به او مثل می زدند ستوده و او را مردی شریف، ادیب و عالم به لغت عرب معرفی کرده و اشعار وی را بسیار لطیف دانسته است. او می نویسد پیش از آنکه محیی الدین را ببیند به او اجازه روایت معقول و منقول را داده و این اجازه را کتباً برای وی فرستاده است. به نوشته اربلی میان آنها مکاتبات و مراسلاتی بوده است. پس از دیدار، اربلی از وی اجازه روایتی خواسته اما او با خجلت از این کار سر باز زده و گفته است که پیش از این قدر وی را نمی دانسته است. آنها بعد از این نیز با یکدیگر بوده اند تا آنکه در حمله مغول به موصل و پس از محاصره آن، محیی الدین با فرزندانش همه در سال ۶۶۰ به قتل رسیدند. علاقه اربلی به وی از اظهار تأسف شدید بر قتل او بدست می آید (التذکرة صص ۸۰ - ۸۱ و نیز نک: ذیل مرآة الزمان ۱/۵۱۳، فوات الوفيات ۴/۳۸۴ الحوادث الجامعة صص ۱۶۷ - ۱۶۸). اربلی اشعار فراوانی از وی در تذکره آورده است (نک: فهرست اعلام التذکرة الفخرية).

۳ - السید جلال الدین عبدالحمید بن فخار الموسوی الحایری (م ۶۸۴)

اربلی کتاب الذریة الطاهرة دولابی را با اجازه این سید روایت کرده است. به نوشته اربلی سید از عبدالعزیز الجنازندی (صاحب معالم العترة النبوية) بسال ۶۱۰ اجازه روایت این کتاب را داشته و نیز از شیخ برهان الدین ابی الحسین احمد بن علی معروف به غزنوی اجازه دیگری بسال ۶۱۴ داشته و این هر دو از ابوالفضل محمد بن ناصر السلامی با اسناد خود او. اربلی می افزاید که از سید جلال الدین هم قدیماً (سال مشخص نمی کند) و هم در سال ۶۷۶ اجازه دریافت کرده است (کشف ۱/۳۶۳ - ۳۶۴، ۵۲۹) صفدی درج ۱۶ ص ۸۴ وی یاد کرده و سماع او را از جنابندی تأیید کرده است.

۴ - رشید الدین ابی عبدالله محمد بن ابی القاسم بن عمر بن ابی القاسم

اربلی از وی با عنوان «الشیخ العدل» یاد کرده است. وی کتاب المستغیثین از

ابوالقاسم خلف بن عبدالملک بن مسعود بن بشکوال را از طریق رشید الدین مذکور و او

از شیخ ابو محمد یوسف بن شیخ ابی الفرج بن الجوزی (نک: الزرکلی، الاعلام ۸/۲۳۶) و او از مؤلف کتاب روایت می‌کند. تاریخ قرائت این کتاب بر رشید الدین شعبان سال ۶۸۶ در خانه اربلی در کنار دجله در بغداد بوده است.

۵- تاج الدین علی بن انجب ابن الساعی (م ۶۷۴)

اربلی کتاب معالم العترة جنابذی را از طریق تاج الدین مذکور و او از مؤلف کتاب روایت می‌کند (کشف ج ۱ ص ۴۵۰ در باره وی نک: الاعلام ۴/۲۶۵)؛ وی از مؤلفان بنام و کتابدار کتابخانه مستنصریه بوده است.

۶- کمال الدین ابوالحسن علی بن وضاح الحنبلی (م ۶۷۲)

اربلی نسخه‌ای از کتاب «تاریخ الموالد» ابن خُشّاب را به خط ابن وضاح در اختیار داشته است. وی (کشف ۱/۴۴۹ - ۴۵۰) با اشاره به این مطلب می‌گوید: او به من اجازه هر آنچه مجاز به روایت آن است را داد. وی همچنین نسخه‌ای از «الذریة الطاهرة» را به خط شیخ ابن وضاح در اختیار داشته است (کشف ۱/۱۴۹). وی در ج ۱ ص ۳۶۳ بار دیگر همین نسخه را یاد آور شده و می‌گوید: او به من اجازه داد تا هر آنچه از مشایخش نقل می‌کند روایت کنم (نک: ریاض ۴/۱۶۸) (در الحوادث الجامعه ص ۱۲۰ ابن الوضاع آمده صحیح آن در ص ۱۸۱ ذکر شده است).

۷- ابی عبدالله محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی (م ۶۵۸)

وی مؤلف دو کتابی است که اربلی در کشف از آنها نقل کرده است یکی «کفایة الطالب» و دیگری «البیان فی اخبار صاحب الزمان (ع)». اربلی می‌گوید که در اربل به تاریخ پنجشنبه ۱۶ جمادی‌الثانیة ۶۴۸ این کتاب را بر مؤلف آن خوانده است (در دو مجلس که آخرین آن تاریخ مذکور بوده است) (کشف ج ۱ ص ۱۰۸). وی در کشف ۲/۴۷۵ می‌گوید که کتاب دوم نیز در همان دو مجلس بر مؤلف خوانده شده است (در باره وی نک: الاعلام ۷/۱۵۰).

۲- دوستان دانشور اربلی

به جز کسانی که اربلی اجازه روایت از آنان دریافت داشته کسان دیگری از

دانشوران زمان وی از همنشینان او بوده و او با آنها مجالست و مکاتبت داشته است. وی به اقتضای مقام منشی‌گری خود و آشنائیش با ادیبان و منشیان و طبعاً شعرا، دوستان فراوانی در این جمع داشته است؛ اسامی برخی از آنان را می‌توان از اشارات ابن الفوطی و نیز آنچه خود او در التذکرة الفخریه آورده یاد کرد

۱- رضی الدین علی بن موسی بن جعفر ابن طاووس (م ۶۶۴)

۲- مؤید الدین محمد ابن العلقمی (م ۶۵۶)

بنا به گفته افندی وی از ابن طاووس روایت کرده است (ریاض ۴/۱۶۶)؛ اما تصریح نشده که وی از مشایخ او بوده و اجازه‌ای از او داشته است. وی حکایتی از برخورد خود با ابن طاووس را در کشف ج ۱ ص ۲۵۳ - ۲۵۵ نقل کرده است. اربلی پس از برخورد با این دعای امام کاظم (ع) که می‌فرماید: «رب عصیتک بلسانی...» این شبهه برایش پیش می‌آمد که این دعا چگونه با عصمت سازگار است. پس از آن نزد سید بن طاووس رفته و از وی در این باره پرسش می‌کند و او می‌گوید که ابن العلقمی وزیر نیز همین سؤال را از وی کرده و او گفته است که امام خواسته تا کیفیت دعا کردن را به مردم تعلیم دهد. اربلی می‌گوید: من پیش خود گفتم امام این دعا را در شب آنهم در سجده فرموده؛ چه کسی در آنجا بوده تا به او تعلیم دهد؟ اربلی می‌گوید: پس از آن ابن علقمی وزیر این سؤال را از من کرد و آنچه بر من گذشته بود بدو گفتم با این حال این پاسخها به دلم نشستند تا آنکه رضی الدین در گذشت و سالها بعد بود که توانستم پاسخ این سؤال را دریابم و عصمت امام را براحتی با این تحلیل درک کنم. و آن اینکه امام در تمامی اوقات مشغول عبادت خداوند بوده و قلبش تعلق و پیوند با ملاء اعلی دارد. زمانی که به خوردن غذا و خواب و دیگر مباحات می‌پردازد طبعاً از آن منزلت رفیع پایین می‌آید و همین را گناه و خطا شمرده و از آن استغفار می‌کند (نقل به معنی و کوتاه شده از ج ۱ صص ۲۵۳ - ۲۵۵). این حکایت، نشانه انس وی با ابن طاووس و نیز ابن علقمی وزیر شیعی آخرین خلیفه عباسی المستعصم بالله است. وی در کشف ج ۲ ص ۱۴۱ نیز از کتابی که این وزیر فراهم آورده بوده (نام آن مشخص نشده) نقل کرده است. اربلی نقل مفصل دیگری را نیز در باب شفا یافتن مریضی که به نظر پزشکان خوب شدنی نبوده

آورده است. آن شخص به سامراء و در سرداب مشهوری که گفته شده امام زمان (ع) از آنجا غیبت خود را آغاز کرده، رفته و شفا یافته است. در این نقل از سید بن طاووس و اقدامی که او در جهت آوردن وی پیش مستنصر عباسی صورت داده یاد شده است (کشف ۲/ ۴۹۳-۴۹۷ و نک: خواندمیر، حبیب السیرج ۲ ص ۱۰۷-۱۰۸) ولی این خبر را از طریق ابن طاووس نقل کرده است.

۳- عزالدین ابو محمد عبدالرزاق بن رزق الله بن ابی بکر بن خلف بن ابی الهیجاء الرسنی الحنبلی (م ۶۶۰). وی از دوستان حنبلی اربلی بوده و اربلی در چند مورد از وی با عنوان «صدیقنا» یاد کرده است (کشف ج ۱ ص ۷۷ درباره او نک: تلخیص مجمع الاداب ج ۱ ص ۱۹۲). وی مجموعه‌ای در فضائل امیرالمؤمنین گردآوری کرده که اربلی فراوان در کشف از آن بهره برده است.

۴- عماد الدین ابو محمد عبدالله بن محمد بن مکی البغدادی المعدل. به نوشته ابن الفوطی وی در مجلس بهاءالدین اربلی حاضر می‌شده و وی او را در آنجا دیده است (تلخیص ج ۲ ص ۲۵۶). این مجلس یا مجلس درس بوده و یا مجلس ادبی که ادیبان در آنجا جمع شده و آثار خویش را بر یکدیگر عرضه می‌کرده‌اند و البته ریاست محفل متعلق به اربلی بوده چون اصولاً در خانه او برگزار می‌شده است. نام وی در فهرست دوازده نفری که اجازه روایت کشف را بدست آورده‌اند آمده است.

۵- یوسف بن لؤلؤ بن عبدالله ذهبی (م ۶۸۰). وی شاعر و ادیبی گرانمایه بوده است. او زمانی به اربل آمده و حاکم اربل تاج الدین ابن الصلایا علوی را مدح گفته و پس از آن شعری در ستایش از اربلی و برخی دیگر سروده است (نک: تلخیص مجمع الاداب ج ۲ ص ۶۸۸ پاورقی) اربلی نیز از وی و همنشینی‌اش با او یاد کرده است (التذکره ص ۱۵۳). ابن فوطی از برخی از ادبا و دانشوران یاد می‌کند که اخبار و اشعاری از آنها را اربلی برای وی نقل کرده است. از جمله آنها عمید الدین ابو تغلب بن ابی عبدالله الحسین بن محمد بن ابی الفضل السوراوی الادیب که اربلی اشعاری از او را برای ابن فوطی نقل کرده است (تلخیص ۲/ ۹۰۲) و نیز قوام الدین ابوالفضل نصر بن تاج الدین ... المدائنی الکاتب (تلخیص ج ۴ ص ۸۵۷) و نیز غیاث الدین ابوالحسن علی

بن ابی الفتح (تلخیص ۲/۱۱۹۷).

۶ - صفی الدین منصور الاربلی. به نوشته اربلی وی شاعری بوده که در شعر خود نکات نیکویی می آورده است. اربلی می گوید که بارها با وی همنشین بوده است (التذکره الفخریه ص ۴۹).

۷ - شمس الدین احمد بن الخباز النحوی الموصلی. اربلی وی را «شیخ زمانه و واحد عصره» توصیف کرده و «آیت ذکاء و حفظ» شمرده است. او می گوید که وی را دیده و به ظن قوی در سال ۶۴۱ در گذشته است (التذکره ص ۱۱۲).

۸ - شیخ ظهیرالدین حنفی اربلی (م ۶۷۷). اربلی او را فقیه نحوی شناسانده و می گوید که از وطن خود (اربلی) به شام رفته و مقیم آنجا شده است. وی به نقل از برخی اصحاب؛ اشعاری از وی را نقل می کند (التذکره ۷۱).

۸ - نجم الدین یحیی. اربلی از او با عنوان «شاعر موصلی» یاد کرده و از اخلاق وی ستایش کرده است. او از همنشینی خود با وی سخن گفته و اظهار می دارد که در وقت تألیف این کتاب (التذکره؛ که به گفته ابن الفوطی در سال ۶۷۱ تألیف شده) زنده بوده است (التذکره ص ۱۲۴).

۹ - تاج الدین علی ابن عبدوس (م ۶۷۴). اربلی از وی با عنوان «شاعر بغدادی» یاد می کند و می گوید که با او دیدار کرده و اشعار او را از او شنیده است (التذکره ص ۱۱۶) (و نیز نک: الحوادث الجامعه ص ۱۸۶).

۱۰ - امین الدین عبدالرحمن علی موصلی. اربلی اشعاری از او شنیده و آنها را در کتاب خود آورده است (التذکره ص ۱۲۳). اربلی از کسان دیگر از معاصرانش نیز که با واسطه یا بی واسطه اشعاری از آنان شنیده یاد کرده است؛ اشعاری از زکی بن ابی الاصبع که پدر اربلی برایش نقل کرده است (التذکره ص ۱۲۸) و نیز بهاء الدین زهیر کاتب مصری که به نوشته اربلی پس از ۶۵۰ در گذشته و دیوان شعر او نزد اربلی بوده است (التذکره ص ۱۳۲) و نیز اشعار فراوانی از کمال الدین محمد (التذکره ص ۴۷، ۵۶) و نیز مجدالدین ظهیر الدین حنفی اربلی (التذکره ص ۷۳، ۷۵، ۲۱۸ - ۲۲۰) و شیخ تاج الدین ابوالیمن زید بن الحسن کندی که به واسطه «جماعة» از او اجازه روایت داشته و

او را با عنوان «وکان شیخ زمانه غیر مدافع» ستوده است (التذکره ص ۴۸).

۱۱ - از دیگر کسانی که اربلی از آنها به عنوان دوست خود نام برده یکی السید صفی الدین محمد بن بشر العلوی الموسوی است و دیگری نجم الدین حیدر بن الایسر؛ او می‌گوید که اینان از چهره‌های برجسته و صاحب شخصیت بوده و از دوستان و عزیزان من به شمار می‌رفتند. آنها داستان مربوط به شفا یافتن مریضی را که در پای او دملی پیدا شده و امام زمان (ع) او را شفا داده بود از آنان نقل می‌کند (کشف ۴۹۸/۲).

۱۲ - داستان دیگری از السید باقی بن عطوة العلوی الحسینی از آنچه برای پدرش «عطوة» روی داده نقل می‌کند. پدرش که زیدی مذهب بوده از تمایل فرزندانش به مذهب امامی ناخشنود بوده و می‌گفته تا وقتی مهدی (ع) شما نیاید و او را از مریضی نجات ندهد شما را تصدیق نمی‌کنم. تا آنکه در وقت عشاء، صدای فریاد پدرشان را می‌شنوند که فریاد می‌زد صاحبان را دریابید هم اکنون از نزد من بیرون رفت. این در حالی است که امام او را شفا داده و رفته بود (کشف ۴۹۷/۲).

۱۳ - یاقوت بن عبدالله المستعصمی یکی دیگر از ادیبان دانشوری است که اربلی با وی تماس و ارتباط داشته است. اربلی در رساله الطیف شعری از او نقل کرده است. نسخه‌ای از رساله الطیف نیز به خط یاقوت مذکور در سال ۶۷۴ نوشته شده که نسخه چاپی بیشتر بر همان متکی است (در باره او نک: مقدمه رساله الطیف ص ۳۸ پاورقی ۸۴).

۱۴ - شمس الدین احمد بن غزّی از دیگر شعرائی است که به نوشته اربلی چندین بار به اربل رفت و شد داشته و در ستایش تاج الدین بن الصلایا و نیز خود اربلی اشعاری سروده است (التذکره الفخریه ص ۱۰۸)

۳- شاگردان اربلی و راویان کشف الغمه

بیشتر اطلاعی که در این باره داریم بر اساس اجازه‌ای است که یکی از شاگردان او با نام مجدالدین الفضل بن یحیی الطیبی در پایان جلد نخست کشف (ص ۴۴۵-۴۴۶) نگاشته و ضمن آن نام کسانی را که همه یا قسمتی از کشف را بر مؤلف قرائت کرده‌اند

آورده است؛ اربلی در پایان این صورت، اجازه روایت تمامی کتاب را به آنها داده است؛ این افراد عبارتند از:

۱ - الشيخ مجد الدين الفضل بن يحيى بن علي المظفر الطيبي. در باره وی گفته شده که «الكاتب بواسط». صورت قرائت وی بر اربلی در پایان جلد دوم کشف (ص ۵۵۴) نیز آمده و اصولاً نسخه‌ای که بر اساس آن کتاب به چاپ رسیده از روی نسخه مجدالدین کتابت شده و نسخه مجدالدین نیز از روی نسخه مؤلف بوده است (نک: کشف ج ۲ ص ۵۵۴). وی رساله‌ای در روایت قصه «الجزيرة الخضراء» داشته است (الحقایق الراهنه ص ۱۶۱ ذریعه ۱۰۶/۵ ایضاً در باره وی نک: امل الاصل ج ۲ ص ۲۱۷-۲۱۸).

۲ - الصدر عماد الدين عبدالله بن محمد بن مكي (در باره وی نک: امل ۱۶۴/۲ الحقایق الراهنه ص ۱۲۵).

۳ - العالم الفقيه شرف الدين احمد بن عثمان النصيبي المدرس المالكي.

۴ - شرف الدين احمد بن محمد بن علي بن عيسى الاربلي (نواده مؤلف) (الحقایق الراهنه ص ۹).

۵ - تاج الدين محمد بن علي بن عيسى الاربلي (فرزند مؤلف) این پدر و پسر قسمتی از کتاب را بر مؤلف خوانده‌اند (نک: الحقایق الراهنه ۱۹۳).

۶ - عزالدین ابو علی الحسن بن ابی الهیجاء الاربلی (نک: امل ۶۱/۲ الحقایق الراهنه ص ۱۵۲، ۵۱ - ۵۲). اربلی در التذکرة الفخریه از وی به عنوان شاعری جوان ستایش کرده است. پدر او از شیوخ اربلی بوده که در پیش از این اشاره کردیم (نک: التذکرة ص ۱۳۷)؛ اربلی اشعاری از عزالدین را در موارد متعددی از تذکرة نقل کرده است (نک: فهرست اعلام ذیل نام عزالدین ابوعلی) (نیز نک: تلخیص مجمع الاداب ۸۴/۱ - ۸۵).

۷ - تاج الدين ابو الفتح حسين بن ابی بكر الاربلي (نک: امل: ۳۵۶/۲ الحقایق الراهنه ۱۵۸)

۸ - امين الدين عبدالرحمان بن علي بن ابی الحسن الجزري الاصل الموصلی

المنشأ (نک: امل ۱۴۷/۲ الحقایق الراهنه ص ۱۰۹).

۹ - حسن بن اسحاق بن ابراهیم بن عیاش الموصلی (نک: امل ۶۳/۲ الحقایق الراهنه ص ۳۷).

۱۰ - محمود بن علی بن ابی القاسم (نک: امل ۳۱۵/۲ الحقایق الراهنه ص ۲۱۰).

۱۱ - تقی الدین ابراهیم بن محمد بن سالم (نک: امل ۸/۲ الحقایق الراهنه ص ۴).

۱۲ - شمس الدین محمد بن الفضل العلوی الحسنی (نک: امل ۲۹۳/۲ الحقایق الراهنه صص ۱۹۶ - ۱۹۷).

علاوه بر افراد فوق که نامشان در صورت قرائت در کشف ۴۴۵/۱ آمده، شیخ حراز:

۱۳ - عیسیٰ بن محمد بن علی بن عیسیٰ (نوه مؤلف) (۲۱۲/۲) یاد کرده است!

۱۴ - علم الدین ابو محمد اسماعیل بن عزالدین موسی بن القاسم. ابن الفوطی (تلخیص ج ۱ ص ۵۷۱) از او و قرائت کشف الغمه بر مؤلف در سال ۶۷۹ یاد کرده است.

۱۵ - کمال الدین عبدالرزاق بن احمد معروف به ابن الفوطی (م ۷۲۳)؛ او در موارد متعددی در تلخیص از اربلی با عنوان «شیخنا» یاد کرده است (تلخیص ج ۱ ص ۵۷۱ و

جبوری در مقدمه رساله الطیف (ص ۱۹) علامه حلی را نیز از تلامیذ وی شمرده است. همینطور مدرس در ریحانة الادب (ج ۱ ص ۱۰۱).